

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال ششم - شماره سوم - پائیز ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۲۱

## بررسی سبک غزلیات نظامی گنجوی

(ص ۵۳۳ - ۵۱۵)

زینب نوروزی (نویسنده مسئول)، محبوبه حسین زاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

### چکیده

بررسی سبک‌شناسانه هر اثر ادبی، در شناخت ویژگیهای زبانی، ادبی و فکری آن اثر نقش اساسی دارد. این مقاله بر آنست تا شاخصه‌های سبکی غزلیات نظامی گنجوی را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد تا با تکیه بر آن، ساختار و محتوای غزلیات او نشان داده شود. این قالب ادبی در دیوان نظامی از لحاظ سادگی و روانی کلمات، موسیقی، تصویرسازی، صنایع ادبی و درون مایه متمایز است زیرا منعکس کننده عواطف و احساسات درونی شاعر و قدرت او در غزلسرایی میباشد. لازم به ذکر است با وجود اهمیت و جایگاه ویژه این قالب ادبی در دیوان نظامی هیچ پژوهش در خور توجهی در باب آن انجام نشده است. به این منظور این پژوهش در سه سطح فکری، ادبی، زبانی غزلیات نظامی را بر اساس آمارهای دقیق تحلیل میکند. بررسی این غزلیات نشان میدهد که وی در این قالب ادبی نیز از توان بالایی برخوردار است و این اشعار هم از نظر مضمون و هم از نظر بلاغت قابل توجه است.

### کلمات کلیدی

دیوان نظامی، غزل، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند zeynabnowruzi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

### مقدمه

غزل از رایجترین قالبها در گستره ادب فارسی است و کمتر شاعری را میتوان یافت که غزل نسروده باشد. نظامی شاعر بزرگ قرن ششم یعنی زمان آغاز سیر تکاملی غزل فارسی است که در رشد و تکامل غزل مخصوصاً نوع عاشقانه آن نقش اساسی داشته است. شهرت و قبول گسترده‌ای که در پنج گنج نظامی یافت میشود، سبب شده است تا بخش دیگری از سروده‌های این شاعر یعنی غزلیات او از نظر دور بماند؛ با اینحال نظامی مانند بسیاری از شعرای فحل ادب فارسی در کنار منظومه‌های مشهور خود در لحظاتی خاص به سرایش غزل دست زده است و از عشق یا هستی و مستی سخن رانده است اما مشخص کردن تعداد واقعی غزلیات نظامی آسان نیست. درباره منظومه‌های نظامی تاکنون مقالات زیادی نوشته شده است؛ ولی درباره غزلیات او کار چندانی صورت نگرفته است. شاید بسیاری از محققان غزلیات وی را قابل تحلیل از نظر صورت و محتوا نمیدانند. یا شاید به نظر آنان این اشعار در برابر خمسه کم فروغ است. اما چنین نیست و نظامی مانند مثنویهای بی‌بدیل خود در آفرینش غزلها نیز توان هنری بالایی به نمایش گذاشته است. او با دقت در انتخاب کلمات، آفرینش تصاویر هنری، غنای تخیل و نیز مفاهیم متناسب با این قالب توانسته اشعاری شیرین و دلپذیر ارائه دهد.

در این مقاله رباعیات نظامی از سه دیدگاه زبانی، ادبی و فکری (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۵۳) مورد نقد و بررسی قرار میگیرد.

### الف. سطح زبانی (Literally Level)

در این بخش غزلیات شاعر در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی بررسی میشود:

#### ۱. سطح آوایی (موسیقیایی)

سطح موسیقیایی و آوایی، مجموعه مناسبتهای وزنی، قافیه و ردیف و آرایه‌های لفظی هستند که در القای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه‌های او نقش مهمی دارند.

۱-۱. موسیقی بیرونی یا وزن: مجموع ۱۹۴ غزل نظامی در ۲۲ وزن سروده شده است که از این تعداد، ۱۳۵ مورد در وزنهاى آرام و سنگین و جویباری، مناسب مضامین دلنشین و شیرین عاشقانه و بیانگر احساسات شاعر در غم و اندوه است. همه این بحرهای پرکاربرد، رایج و خوش‌آهنگ عروضی هستند. از جمله ۲۲ مورد در بحر هزج مسدس محذوف، ۱۹ مورد در بحر رمل مثنی محذوف، ۱۷ مورد در بحر هزج مثنی سالم، ۱۴ مورد در بحر هزج مثنی مکفوف محذوف، ۱۲ مورد در بحر هزج مثنی اُخرب، ۹ مورد در بحر

رجز مثنیٰ سالم، ۹ مورد در بحر مضارع مثنیٰ احزب مکفوف و ۷ مورد در بحر مجتث مثنیٰ محذوف است. در کل وزنهای تند و ضربی نسبت به وزنهای سنگین و آرام که ۶۹ درصد غزلیات نظامی را در بر گرفته است تعداد کمتری دارد.

**۱-۲. موسیقی کناری:** باید گفت نظامی از اهمیت قافیه و ردیف و تأثیر اعجاز آمیز آن در شعر خود آگاه بوده است و به ردیف و قافیه توجهی خاص نشان داده است. از ۱۹۴ غزل او ۱۳۱ مورد مردف است یعنی حدود ۶۷ درصد است و (۶۵) غزل دیگر مقفا میباشد که به ترتیب (۶۷ و ۳۵ درصد) را به خود اختصاص داده است:

#### - قافیه

یکی از لذتهایی که قافیه به ما میدهد، زیبایی معنویست که از یک خصوصیت روانی دیگر سرچشمه میگیرد و آن عبارت از اینست که وقتی کلمات مشابه را در پایان ابیات میخوانیم احساس میکنیم که این کلمات در عین وحدت با یکدیگر متفاوتند و در عین تفاوت نوعی وحدت دارند؛ یعنی قافیه با نزدیک کردن شباهتها و اختلافات یک نوع لذت زیبایی شناسانه (aesthetic) به ما میدهد؛ مانند این غزل نظامی که با هم قافیه کردن کلماتی مثل: باختن، تاختن، انداختن و ساختن، در عین این که چند کلمه مختلف را با معنای متفاوت میشنویم و احساس میکنیم ولی در سه حرف مشترک (آختن) نوعی وحدت و یگانگی احساس میکنیم:

در خرابات آی، اگر داری سر جان باختن      افسر دعوی نهادن بر سر جان تاختن  
جعبه ایام خود در پیش تیرت کرده ام      جز تو کس را مینبینم تیر عشق انداختن  
(دیوان، ص ۳۱۵)

قافیه در شعر نظامی بدون تکلف است و شاعر با تسلطش بر کلمات هم قافیه آنرا چنان بکار میگیرد که مزاحم معنی نمیشود بلکه مطیع و رام شاعر و برخاسته از احساسات اوست.

#### - ردیف

ردیف در غزلهای نظامی شعر او را دلنشین و موسیقی شعرش را غنا بخشیده است. ۱۳۱ مورد از غزلیات شاعر مردف است (۶۷ درصد) و ۱۰۳ مورد از غزلهای مردف شاعر ردیف فعلی دارد (۷۸ درصد)؛ این ردیفها متحرک، پویا و خوش آهنگ است؛ او از ردیفهای سنگین استفاده نکرده است مانند ردیف این غزل که تمام عاطفه و احساس شاعر را به شکلی جاندار و پر هیجان نشان داده است:

من بنده ندانم به تو سلطان چه فرستم      جان نیست مرا در خور سلطان چه فرستم  
(همان، ص ۳۰۱)

### ۳-۱. موسیقی درونی

#### - تکرار

«تکرار در زیبایی‌شناسی هنر از مسائل اساسی است. صداهای غیر موسیقایی و نامنظم که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میشود» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۹) تکرار یکی از صنایع بدیعی مورد توجه نظامی در غزلیات است. از ۱۲۰۲ بیت از غزلهای نظامی ۴۰۴ بیت تکرار دارد، این بسامد بالا بیانگر آنست که نظامی لطافت و ظرافت تکرار را در گوشنوازی و آهنگین نمودن کلام دریافته است؛ در جایی که تکرار را برای تأکید بکار میبرد بر موسیقی درونی شعر او می افزاید.

ندارم طاقت هجران ندارم ندارم ای مسلمانان ندارم  
(همان، ص ۳۰۵)

از ۱۲۰۲ بیت غزلیات او در ۴۰۴ مورد تکرار دیده می شود (۳۳ درصد)

#### - جناس

نظامی از انواع جناسها (تام، افزایشی و اشتقاقی) در غزلیات خود استفاده کرده است که باعث غنای موسیقی شعر او شده است.

لبت بی زر مرا بوسی دهد؟ نه در او این ناز نازبیا ننگجد (همان، ص ۲۷۶)

همچنین در غزلیات او جناس میان کلمات مختلف مانند خار خمار، غمزه غماز، جان جهان و مقصد و مقصود دیده میشود تا ذوق و قدرت خود را در به کار بردن کلمات خوش آهنگ و تراش خورده نشان دهد.

#### - نغمه حروف (همحروفی و همصدایی)

در شعر زیر همحروفی و همصدایی کلمات و واجها بر اعجاز موسیقی غزلیات نظامی افزوده است:

تا شرح زلفش خوانده‌ام بنگر چه خامش مانده‌ام دنیا و دین افشاند‌ام بر زلف مشک افشان او  
(همان، ص ۳۲۰)

صامت «ش» شش بار تکرار شده است که حالت خاموشی و عجز از سخن گفتن را برای مخاطب تداعی میکند و تشخص کلمه «خامش» را بیشتر نمایان میسازد.

بلبل همی دارد فغان، وز ناله‌ها آمد به جان گر راست خواهی در جهان یکدوست معنی دار کو  
(همان، ص ۳۲۵)

مصوت «آ» ده بار تکرار میشود تا حالت ناله و فریاد را برای خواننده تداعی کند.

### - طرد و عکس

صد یوسف کنعانی در کوی تو قربانی در کوی تو قربانی صد یوسف کنعانی (همان، ص ۳۳۶)

### - قافیه‌درونی

شاعر از قافیه‌درونی در ۴۶ بیت بهره برده است (۳/۸۲) و توانسته با استفاده از این عنصر موسیقایی عواطف و احساسات لطیف خود را به تصویر بکشد:  
خرامان میروی جانا، گل افشان میروی جانا به مهمان میروی جانا، بگو مهمان کرای تو  
(همان، ص ۳۲۳)

### ۲. سطح لغوی

در غزلیات نظامی پانزده عبارت و جمله عربی به کار رفته است: حبل المتین، من بعد، کلیم الله، خاص الخاص، محضر، مزاد لا ابای، انا الله، ذوالمنن، لاجرم، الا الله، کا الدیک اذن فانتبه، بسم الله، بوالعجب. همانطور که مشاهده میشود نظامی از آوردن عبارتهای ثقیل و مهجور عربی در غزلیات خوداری کرده است و علاوه بر این شاعر دو غزل ملمع نیز دارد. کاربرد لغات ترکی (یغما، غارت، افغان، قزل، غوغا، طغراو وثاق) نیز بسیار کم است و او هرگز از لغات دشوار و ثقیل ترکی استفاده ننموده است.

از نظر لغوی نظامی در توسعه واژگانی دست به ابتکاراتی زده است که در حیطه لغوی و بحث هنجارگریزی بحث میشود. «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته میسازد و بر حسب قیاس و گریز از قواعد هنجار، واژه‌ای جدید می‌آفریند». (از زبان شناسی به ادبیات، صفوی: ص ۴۶۰) نظامی نه تنها در حوزه معناآفرینی و تصویرسازی خوش درخشیده است بلکه در غنی‌سازی حوزه واژگانی و گسترش قلمرو زبان بیشترین سهم را بخود اختصاص داده است و چون این گریز از هنجار در غزلیات او عالمانه و زیبا اتفاق افتاده است باعث تشخیص کلامش شده است. او واژه‌ها را در محور همنشینی کنار یکدیگر قرار داده است و باعث هنجارگریزی در سطح واژه‌ها شده است. انواع هنجارگریزی واژگانی در غزلیات نظامی:

### الف. ابداع واژه‌های مرکب

وجه غالب زبانی در غزلیات نظامی ترکیب‌سازی سازی است و او از میان گنجینه زبان، واژه‌هایی را برگزیده و بدین وسیله ترکیباتی را خلق کرده است که گوشنواز و خوش‌ساخت است. ترکیباتی از قبیل: صبرسوز، آشنارنگ، گنج‌آه، نیم‌نفس، محبت نامه، غریب دشمن، تماشاگاه، تیزبازار، بوالجب کار، سحرساز، گشاد کار جان. (مانند صفحات ۲۷۶، ۲۹۹، ۳۰۶ و...)

### ب. ابداع واژه‌های اشتقاقی

نظامی در ساختن واژه‌های اشتقاقی تازه طبعی توانمند دارد و از این امکان زایای زبان برای ادای مقصود بهترین و بیشترین بهره را برده است. واژه‌های اشتقاقی در غزلیات نظامی: عشرتکده، غمکده، بیم‌گه، سازوار، ترکانه، یاوگیان، خاصگیان، غمکش (صفحات ۲۶۵، ۳۱۷، ۳۸۱ و ...). نظامی در این ابیات با افزودن پسوند به اسم‌های معنی (عشرت، غم، بیم) زبانش را تازه و برجسته کرده است.

### ۳. سطح نحوی

از نظر سطح نحوی رباعیات نظامی ویژگی و ساختار قابل توجهی ندارد و موارد زیر از ویژگی‌های معمولی است که در کلام اکثر شاعران کلاسیک دیده می‌شود:

**الف.** کاربرد «را» در معنای حرف اضافه:

در صفة دلداران، با حسن جمال تو کس را به همه عالم بازار نمی‌بینم (دیوان، ص ۳۱۰)

ب. به کار بردن الف اطلاق در آخر فعل:

گفتا: بگیر زلفم گفتم ملالت آید قالت: الست تدری عشقاً و لاملامه؟ (همان، ص ۳۲۶)

ج. رقص ضمیر:

ای مایه شادی! چه غمِ بیش نمودی ای مونس جانم! چه براندازگری بود (همان، ص ۲۸۷)

د. استعمال «همی» در معنای مصدری:

ز برج سنبله گویند و مشتری و زحل قران کننده‌می روز هفتم از مرداد (همان، ص ۲۷۵)

ه. استعمال باء در ابتدای فعل: بیاسود (همان، ص ۲۸۷)

استعمال «می» در معنای «ب»:

زلف را چون توبه خم کن! بوسه می ده تا به شب توبه را چون زلف بشکن! باده می خور تا به روز (همان، ص ۲۹۳)

و. استعمال فعل دعایی

به عمر خود پریشانی مبیناد دلی کز وی پریشانی بیاسود (همان، ص ۲۸۷)

موارد یاد شده نمونه‌هایی است که زبان همچنان پس از سبک خراسانی با خود همراه دارد و در اشعار شاعرانی چون نظامی دیده می‌شود.

ز. اما برجسته‌ترین ویژگی نحوی که در غزلیات مشهودست افزودن «ی» به صفت‌های متوالی است که به کرات تکرار می‌شود:

شیرین دهانی چون رطب، نازک میانی چون قصب پوشیده کاری بوالعجب ای بوالعجب کار آن تویی  
(همان، ص ۳۴۵)

### ب. سطح ادبی (Literary Level)

بررسی این بعد از اشعار شاعر نشان میدهد که وی در غزلیات نیز مانند خمسه به اهمیت کاربرد آرایه‌های ادبی واقف است و با بکار بردن این فنون در کنار تصویرسازی و تکنیکهای بیانی توانسته بعد هنری و زیبایی شناسی اشعار خود را برجسته سازد. در بررسی غزلیات نظامی عناصری چون تصویر، صورخیال، ریتم و ضرباهنگ، تخیل، احساس و عاطفه نمود بیشتری مییابد زیرا شاعر به یاری این عناصر بعد غنایی اشعار خود را برجسته نموده است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره میشود:

#### ۱. تصویر سازی

نظامی گاهی در یک یا دو بیت با مهارت بی نظیر خود صحنه‌ای را مانند تابلویی نقاشی جلوی چشم خواننده مجسم میکند و بدین وسیله احساسات و ادراک مخاطب را به چالش میکشد. او این تصویرهای پویا و متحرک را در موارد زیر بکار برده است:

#### – شیوه زنده نمایی محیط (جان بخشی)

این شیوه تصویرسازی او همانند تکنیکهای فیلم سازی انیمیشن (animation) است با این تفاوت که در انیمیشن با عناصر و پدیده‌های غیر زنده سر و کار نداریم که به صورت زنده تصویر شود در حالی که تصویرهای نظامی در غزلیات پدیده‌های بی جان را بصورتی جاندار در می آورد:

گل در رخ می چنان بخندید      کش مغز در استخوان بخندید  
شد باغ زخنده اش چنان خوش      کاندر تن لاله جان بخندید  
چندان بگریست ابر در صبح      کز گریه اش ارغوان بخندید  
(همان، ص ۲۹۱)

در این غزل شاعر با ذوق مثال زدنی پدیده‌های غیر ذی روح (گل، می، باغ، لاله، ابر، ارغوان) را همانند فیلمی با جزئیات تمام به تصویر کشیده است و با آوردن فعل خندیدن محیطی انسانگونه پدید می آورد؛ او بدین وسیله جهانی زنده و پویا را ترسیم میکند. همانطور که مشاهده میشود در اینجا انسان حضور ندارد بلکه می، ابر، گل و ارغوان هیأت انسانی به خود گرفته‌اند که بصورت منسجم و مرتبط ظاهر گردیده‌اند.

### - تصویر سازی به کمک مفاهیم و اصطلاحات علم نجوم

نظامی در غزلیات خود از مفاهیم نجومی برای بیان اندیشه‌ها، دریافت و عواطف خویش بهره برده است و با پیوند اجرام و صور فلکی با عنصر تخیل شاعرانه منبعی پایان ناپذیر برای تصویرسازی خلق کرده است:

گونه‌گندم او سنبل تر دارد باز      کمترین خوشه‌او سنبله‌گردون است (همان، ص ۲۷۰)

در این بیت شبکه متراکمی از استعارات آمیخته با صنایع بدیعی وجود دارد: خوشه و سنبل ایهام تناسب دارند، خوشه همان برج سنبله است و سنبل نیز استعاره از زلف معشوق است؛ در ضمن تناسب میان گندم و خوشه نیز قابل ملاحظه است و بدین ترتیب شاعر توانسته با کمک گرفتن از این اصطلاحات نجومی زیبایی چهره و زلف معشوق را به ذهن تداعی کند که در نوع خود بکر و تازه است.

### - مبالغه در تصویر

در غزلیات نظامی مبالغه در تصویر در جهت آرمانی جلوه دادن زیبایی معشوق است؛ این تصویرها در غزلیات در قالب تشبیه تفضیل بچشم میخورد. شاعر ۲۳ مورد تشبیه تفضیل به کار برده تا بدین وسیله اوج زیبایی معشوق را نشان دهد؛ مثلاً در غزل زیر معشوق بسیار زیباتر و ظریفتر از واقعیت نشان داده شده است. شاعر در این غزل زیباییهای معشوق را به صورت آرمانی با برتری دادن بر تمام گلها بیان کرده است و این نوعی مبالغه در غزل او ایجاد کرده است که ناشی از تجربه شاعر در سرودن داستانهای غنایی و برخاسته از روحیه کمال اندیشی او در مورد معشوق است:

رخت بر گل نقاب خار بر بست      گل از دست رخت زنار بر بست  
نقاب غنچه خون آلود ببینم      مگر کز شرم تو رخسار بر بست  
(همان، ص ۲۶۷)

### - تصویرهای مینیاتوری

نظامی در غزلیات از شیوه‌های نقاشی مینیاتور بهره میگیرد منتها این مینیاتور در سطوح کلمات و زبان است.

فکند سایه دو زلف تو بر دو عارض حور      گزند چشم بد از زلف تابدار تو دور  
اگر نگردد نور بر سایه مستولی      چرا شب توهمی سایه افکند بر نور  
خسوف مه بود ای ماه من، ز سایه خاک      خسوف ماه تو از سایه عبیر بخور  
(همان، ص ۲۹۳)



نظامی در این غزل تصویری مینیاتوری از چهره معشوق در حالی که موهای تابدار او بر روی صورتش ریخته است را مجسم میکند در حالی که یک نقاش مینیاتوربست ماهر میتواند با بهره‌گیری از همین عبارات نظامی، چهره معشوق را با بهترین حالت ترسیم کند درست همانطوری که نظامی کلمات خود را با تصویری مینیاتوری هماهنگ کرده است.

## ۲. بیان

### الف. تشبیه

با بررسی آماری تشبیهات به کار رفته در غزلیات نظامی میتوان دریافت که از ۳۳۴ تشبیه، ۲۲۴ مورد حسی به حسی است و یکصد مورد آن عقلی به حسی و تنها ده مورد حسی به عقلی است. بسامد بالای تشبیهات حسی در غزلیات نظامی بیانگر این نکته مهم است که شاعر با وجود تمام مهارت خود در خلق تشبیهات دور از ذهن و بعید، در غزلیات برای منعکس کردن احساسات و عواطف، تشبیهات حسی را بکار برده است.

مشبه، مشبه به و ادات تشبیه در تشبیهات او ذکر شده است و وجه شبه نیز واضح است که ذهن خواننده را چندان درگیر ارتباط بین طرفین تشبیه نمیکند. اما این تشبیهات به رغم کلیشه‌ای بودن شالوده افکار بکر، احساسات و تجربه شخصی اوست. انواع تشبیهات در غزلیات نظامی:

#### - محسوس به محسوس

ابروانت گر هلال است، روی تو مانند بدر  
زین سبب بدر و هلالت فرخ و میمون شود  
(همان، ص ۲۸۸)

#### - محسوس به معقول

مزن باد صبا دامن بر آن زیبا قد رعنا  
تن چون جان پاک اندر درون پیرهن دارد  
(همان، ص ۲۷۷)

#### - معقول به محسوس

جستم چو عنبر بوی او، دیدم چو دولت سوی او  
اقبال را چون روی او ناخوانده مهمان یافتم  
(همان، ص ۳۰۳)

#### - تشبیه تفضیل

قندت نتوان خواندن، کز گل شکری خوشتر  
در دل نتوان گفتن در جان که خواهی شد؟  
(همان، ص ۹۲۱)

#### - تشبیه ملفوف

لب و دهان و دو چشم تو ای بت گل فام  
یکی نبات و دوم پسته و سوم بادام  
(همان، ص ۳۹۷)

**ب. استعاره**

آمار استعارات در غزلیات نظامی بیانگر این نکته مهمست که استعارات او بیشتر از نوع قریب است چراکه ژرف ساخت آنها مبتنی تشبیهات بسیار ساده و کلیشه‌ای است و برای فهم جامع یا وجه شبه آن نیاز به تلاش ذهنی نیست؛ به محض دیدن واژه استعاره، ژرف ساخت تشبیهی آن در ذهن نقش میبندد و این بر خاسته از ماهیت غزل و گویای رویکرد شاعر به بافت ساده کلام در القای معانی ذهنی به مخاطب است. از یکصد و هشت مورد استعاره مصرحه، در بیست و سه مورد بتا و صنما را استعاره از معشوق و پانزده بار لعل را استعاره از لب معشوق بکار برده است بنابراین استعارات نظامی در غزلیات بعید و دور از ذهن نیست. استعارات مکنیه او که نود و نه مورد است نشان دهنده تحرک و پویایی در غزلیات اوست زیرا توانسته عناصر بی روح را در قالب پدیده‌های زنده و پویا به تصویر بکشد.

بنمای رخ، که دیدن گلزارم آرزوست      در من نگر، که نرگس خونخوارم آرزوست  
(همان، ص ۲۷۱)

**ج. کنایه**

از کنایات نظامی که در مجموع هفتاد مورد است فقط پنج مورد آن از نوع تلویحی است و در بقیه موارد از نوع ایماست که فهم آن آسان است؛ مانند راز بر صحرا نهادن در بیت زیر به معنای فاش کردن راز:

ز عشقت روی در سودا نهادم      به پیشت راز بر صحرا نهادم  
(همان، ص ۳۰۲)

**۳. معانی**

«موضوع علم معانی عمده بررسی جملات از حیث معانی و کاربردهای ثانوی است که متکلم به مقتضای حال مخاطب ایراد کرده است.» (بیان و معانی، شمیسا: ۱۱۸) فضای حاکم بر غزلیات نظامی سوز و گدازهای دل‌انگیز عاشقانه در فراق معشوق است پس بدیهی است که پردامنه‌ترین موضوع غزلیات او جمله‌های خبری، در معانی ثانوی تأثر و اندوه است:

بشد از دلم نگاری که نداشت مثل وهمتا      رخ روز او منور شب زلف او چو یلدا  
(دیوان: ص ۲۵۹)

در بیت بالا جمله‌های خبری برای بیان اندوه و حسرت بکار رفته است. بعد از جمله‌های خبری بسامد با جمله‌های پرسشی است که بیشتر در بیان حالت عجزعاشق و استرحام است:

نه مرا قرار بی او نه مراست یار بی او      من دل فگار بی او چه کنم بگو: بدین‌جا؟  
(همان، ص ۲۵۹)

بعد از جملات پرسشی بسامد با جملات امریست که در معانی التماس و ترغیب معشوق برای وصل است:

چاه زنج چو کرده‌ای مسکن یوسف دلم داو عنایتی فرست یوسف چاه خویش را  
(همان، ص ۲۵۹)

شایان ذکرست که در این مبحث پر بسامدترین معانی ثانوی غزلیات نظامی ذکر شده‌است و میتوان معانی دیگری رانیز نشان داد که در اینجا برای پرهیز از اطناب به ذکر مواردی که بسامد بالاتری داشتند بسنده شده‌است.

#### ۴. بدیع معنوی

##### الف. استخدام

در بخش بدیع معنوی یکی از صنایع مورد توجه نظامی در غزلیات استخدامست که این صنعت بدیعی در هفده بیت مشاهده میشود:

من و شیرین لب او هر دو ز یک کاسه خوریم خوردن من جگر و خوردن او حلوا بین  
(همان، ص ۳۱۹)

##### ب. تناسب

چو از محراب ابرویش نماز عمر فایت شد خلاف مذهب از زلفش چلیپاخانه‌ای سازم  
(همان، ص ۳۰۸)

##### ج. تلمیح

گرگ یوسف شد، نظامی، کار من از دوستی زانکه اندر پیرهن یعقوبوار افتاده‌ام  
(همان، ص ۲۹۸)

عمری به سودای لبش جستم به یارب یاربش آخر به ظلمات شبش چون آب حیوان یافتم  
(همان، ص ۳۰۳)

##### د. اغراق

هرشب به کوی آن صنم درخونم از سر تا قدم از شامگه تا صبحدم خونبارم از هجران او  
(همان، ص ۳۲۰)

سروى تو به آیت بلندی آورده به سجده آسمان را  
(همان، ص ۲۶۲)

##### هـ. تمثیل

طاعت آن نیست که برخاک نهی پیشانی صدق پیش آر که ابلیس بسی کرد سجود  
(دیوان، ۲۸۶: ۹۷۶)

زین دست کان سنگین دلت باکس نیارد سرفرو  
از کبر آزارد کسی کاندرا پیش زاری کند  
(دیوان، ۲۸۳: ۹۴۳)

#### و. حسن تعلیل

خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان‌دیده  
که اندر خاک میجویند ایام جوانی را  
(همان، ص ۲۶۳)

#### ۴. بازتاب تعبیرات عامیانه در غزلیات نظامی

«توجه نظامی به تعبیرات عامیانه باعث شده زبان شعری او به ذوق و پسند عوام نزدیک شود و همین امر شهرت نظامی را در میان شاعران دیگر سبب شده است» (سبک‌شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ۱۳۲) از قبیل:

کارد به استخوان رسیدن، دهن پر آب شدن، سر رشته دراز بودن، سیر شدن.  
بعضی از ابیات او جنبه ضرب‌المثل (شش مورد) به خود گرفته است:  
میخواستم ای دوست که جان با تو فرستم      شرمنده شدم زیره به کرمان چه فرستم  
(دیوان، بیت ۳۰۱)

همرنگ جماعت شو، با ما به سویی بر شو      کی باشد عاشق را اندیشه رسوایی  
(همان، ص ۳۴۲)

#### ۵. انسجام متن در محور عمودی

یکی از ویژگی‌های غزلیات نظامی انسجام ابیات غزل از نظر معنی است که میتوان مفهوم و منظوری واحد را از غزل او فهمید به بیان دیگر انسجام متن در محور عمودی در غزلیات او رعایت شده است.  
این شیوه ناشی از شکل روایی، داستانوارگی و همچنین گفت و شنود یا مناظره بین عاشق و معشوق است.

#### - داستانوارگی

این شکل داستانی در یازده غزل او نمود پیدا کرده است:

دی زمزمه راهبی از دیر شنیدم	فریاد کنان بر آن دیر دویدم
از نغمه ناقوس و تماشای چلیپا	سجاده برانداختم و خرقه دریدم
این زمزمه راهبم از راه چنان برد	کز زخمه‌انگشت وی انگشت گزیدم
من نیز هم از گفته استاد طریقت	بیتی دو سه برگفتم و در دیر خزیدم
از دیر برون آمد و در پای من افتاد	خود را به میان دادم و وی را بخزیدم

وی کافر ظاهر شد و من مشرک پنهان او رسته شد ز کفر و من از شرک رهیدم  
(همان، ص ۳۰۳)

در این غزل نوعی پیوستگی مطلب را میتوان یافت که داستان از نقطه‌ای معین آغاز میشود و شاعر مخاطب را از مفهومی به مفهومی دیگر انتقال میدهد و به این غزل جنبه‌ی روایی میبخشد.

### – گفت و شنود (مناظره)

مناظره (disputation) باید مبتنی بر پرسش و پاسخ یا گفتگو باشد؛ سوالات یا سخنان باید زیبا و ظریف باشد و مخصوصا جوابها جنبه ادبی داشته باشد؛ یعنی در آن نکته و هنری باشد.

مناظر در سه غزل نظامی دیده میشود که در آن هریک از طرفین میکوشند احساسات و عواطف خود را رقیقتر بیان کنند و شور و عشق خود را واقعیت از رقیب بنمایانند مانند:

گفتمش: بر سرکویت سرمستی دارم      گفت: هر سر که چنین چاره او دیوارست  
گفتمش: بوسه مده تا نشود قدر تو کم      گفت: از این شهد و شکر در لب من بسیارست  
گفتمش: دزدم بوسی ز تو چون چشم تو خفت      گفت: اگر چشمم خفتست دلم بیدار است  
(همان، ص ۲۶۸)

چنانچه در این مناظره مشاهده میشود گفت و شنودهایی بین عاشق و معشوق در اوج ظرافت و هنر نمایی صورت گرفته است و عاشق در آخر محکوم و مجاب میشود.

## ج. سطح فکری (Philosophical Level)

### ۱. مضامین عاشقانه

مهمترین درونمایه (Theme) غزلیات نظامی، عشق مجازی است با بررسی یکصد و نود و چهار غزل نظامی، یکصد و چهل و هشت مورد آن عشق زمینی است و عاطفه و احساس در آن موج میزند. این عشق مجازی در قالب شکایت و گله از معشوق، ترک تعلقات در راه رسیدن به معشوق غم و اندوه در فراق یار، توصیف جمال معشوق و ... نمود پیدا کرده است.

### – شکایت از معشوق (شکوائیه)

با این که ۳۳ مورد از غزلیات عاشقانه نظامی را شکایت از معشوق تشکیل میدهد:  
به فریادم ز تو هر روز فریاد      از این فریاد روز افزونم ای دوست (همان، ص ۲۷۱)

اما با این حال عاشق خود را در مقابل معشوق ناچیز و بی‌ارزش میدانند و حاضرست تمام وجودش را در مقابل معشوق فدا کند و در غزل نظامی، عاشق هیچگاه معشوق را به اعراض

و رویگردانی، تهدید نمی‌کند و این ترک جان و تعلقات در برابر معشوق در یاده مورد از غزل‌های او مشاهده میشود.

موی به موی از سر تا پای من  
باد فدای سر یک موی تو (همان، ص ۳۲۲)

### - غم و اندوه در فراق یار

عشق در غزل نظامی همراه با درد هجران و سوز و گداز عاشقانه در فراق یار است. عاشق در ابتدا به یاد جمال و زیبایی معشوق می‌افتد و در فراق او اندوهگین میشود. ۲۷ مورد از غزل‌های نظامی همراه با محرومیت و بیقراری عاشق در فراق یار است. بشد از دلم نگاری که نداشت مثل و همتا رخ روز او منور شب زلف او چو یلدا نه مرا قرار بی او نه مراست یاری بی او من دل فگار بی او، چه کنم بگو: بدین جا (همان، ص ۲۵۹)

### - توصیف جمال معشوق

توصیف‌های نظامی از معشوق مبتنی بر تجربه عاطفی و سرشار از عاطفه و احساس است. معشوق مظهر زیبایی است بطوریکه میتوان تصویری روشن و واضح از معشوق به دست آورد.

بچهره دُرِ عدنی، به لب عقیق یمنی  
به خنده میرختنی، به بوسه ماه چگلی (همان، ص ۳۳۶)

### - نیاز عاشق و بی‌نیازی معشوق

در غزل‌های نظامی عاشق در مقام نیاز و معشوق در مقام ناز است، عاشق به حریم معشوق راه ندارد و تسلیم است.

دوازده مورد از غزل‌های عاشقانه نظامی به بی‌نیازی معشوق اشاره دارد:

دارد دو سر این رشته یکی عجز و یکی ناز  
زین سو همه عجز آمد وزان سوهمه ناز است (همان، ص ۲۶۹)

### - تواضع عاشق در مقابل معشوق

عاشق در مقابل معشوق تواضع و فروتنی دارد و خود را گدا و خاک کوی دوست میداند:

نوبت وصل چون تویی کی بمن گدا رسد  
ببیده صرف میکنم عمر در آرزوی تو  
از پی آنکه بر سگی آمده باشدت نظر  
سرمه دیده میکنم خاک سگان کوی تو (همان، ص ۳۲۳)

## ۲. مضامین عارفانه

غزل‌های عرفانی در حدی بسیار کم و به دو صورت تجلی پیدا کرده است:

### - عشق حقیقی

عشق حقیقی در غزلیات نظامی همراه با اصطلاحات عرفانی مثل ظهور، تجلی حق و فنا و بقا بکار رفته است که تعداد آن سیزده مورد است.

زگفتگوی بیرون زن علم را      بعشق اندر زمانی پادشا باش  
زبود خویشتن کلی فنا شو      پس آنکه در فنا عین بقا باش  
(همان، ص ۳۴۵)

### - قلندری

تعداد غزلهای ملامتی و قلندرانه نظامی دوازده موردست که نظامی در آن مانند قلندران در جستجوی بدنمای است، از مسجد به میخانه میروند و در کل به دنبال تخریب ظاهرست دوش میگویند پیری در خرابات آمدست      آب چشمش با صراحی در مناجات آمدست  
می غسل گردد بدستش؛ بتکده مسجد شود      یارب این مقبل چنین صاحب کرامات آمدست!  
گرهمی خواهی ببینی رو نظامی را ببین      کز پس پنجاه چله در خرابات آمدست  
(همان، ص ۲۶۷)

### ۳. مضامین اخلاقی و اجتماعی

غزلیات نظامی از درون مایه اخلاقی خالی نیست، وی آراء اخلاقی و نصایح خود را با زبانی ساده، صریح و شاعرانه بیان میکند. مضامین اخلاقی در غزلیات نظامی آمیخته به عرفان است و این نشان دهنده تأثیر سنایی بر نظامی است. نظامی در شش درصد از غزلیاتش مفاهیم و توصیه‌های اخلاقی را مطرح میکند و به ترک دنیا، عزلت، صبر، قناعت، نیکویی و بخشندگی توصیه می‌کند و دنیا داران را نکوهش می‌کند.  
نظامی شاعر عرفان، اخلاق و اجتماع است (سبک شناسی شعر پارسی، غلامرضایی: ۱۳۶). او در دوره‌ای به سر میبرد که جامعه روی در انحطاط اجتماعی دارد بهمین دلیل نارضایتی از اوضاع و احوال عصر خویش را در قالب شعر بیان میکند؛ او به دنبال تصویر انسان و جامعه آرمانی است و انسان را به مفاهیم اخلاقی و اجتماعی توصیه میکند.  
درونمایه‌های اخلاقی و اجتماعی عبارتند از:

### - توصیه به نیکویی و بخشندگی

نکویی بر نکو رویی بماناد      که از لبه‌اش دندانی بیاسود  
مبارک مطبخی، فرخنده دیگی      کز و ناخوانده مهمانی بیاسود  
به عمر خود پریشانی میناد      دلی کز وی پریشانی بیاسود  
(همان، ص ۲۸۷)

### – پند و اندرز (پیرو قرآن بودن)

همانطور که قبلاً اشاره شد، مضامین اخلاقی این دوره آمیخته با عرفان است.

عمری گذشت و هیچ به فرمان نمیشوی  
قرآن کلام اوست، بخوانی و بشنوی  
زین کرده‌های خویش پشیمان نمیشوی  
لیکن چه سود؟ پیرو قرآن نمیشوی  
(همان، ص ۳۴۰)

### – دعوت به صبر و قناعت

خیز و کام دل از این منزل ویران مطلب  
باش قانع به نشان قدم ناقه صبر  
غنچه عافیت از گلشن دوران مطلب  
خاک خور، خاک و در این ره ز کسی نان مطلب  
(همان، ص ۲۶۴)

### – توصیه به تزکیه نفس و صفای باطن

نه هر تردامنی را عشق زبید  
مقلد را درین ره جایگه نیست  
نظامی تا توانی پارسا باش  
نشان عاشقان از دور پیداست  
ره خاص سر اندازان شیداست  
که نور پارسایی شمع دلهاست  
(همان، ص ۲۶۵)

### ۴. مضامین فلسفی و کلامی

پنج درصد از غزلیات نظامی درونمایه فلسفی و کلامی دارد. نظامی مفاهیم فلسفی و کلامی را معمولاً بی‌توسل به اصطلاحات فنی آن بکار برده است و اندیشه‌هایی چون اغتنام فرصت و دم غنیمتی، زود گذر بودن عمر، بی اعتباری جهان و گذرا بودن آن اشاره میکند که این اندیشه‌ها به اندیشه‌های خیامی شناخته میشود چرا که برخی از اندیشه‌ها در شعر خیام برجسته هستند هرچند که بسیاری از آنها هم قبل از خیام و در اندیشه‌های قبل از خیام بوده است ولی از آنجایی که در اشعار خیام بیشتر نمود پیدا کرده‌اند به اندیشه‌های خیامی مشهورند. «این تفکرات هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی ندارند بطوریکه اگر از یک عده رباعیات نهیلیستی (پوچ‌گرایی) قطع نظر کنیم با یک فیلسوفی روبرو خواهیم شد که با پذیرش مقداری از اصول کلی و مبادی بنیادین درباره جهان هستی اظهار نظر کرده است»<sup>(تحلیل شخصیت خیام، جعفری: ۵۸)</sup>.

در قرن شش مسائل کلامی و نزاع معتزله و اشعریان و معتقدات اشاعره رواج پیدا کرد که این بر اندیشه شاعر تأثیر گذاشت. او نیز متأثر از اعتقادات اشاعره بر عقل و استدلال میتازد و از تقابل عشق و عقل و جبر سخن میگوید.



برخی از اندیشه‌های خیامی در غزلیات نظامی عبارتند از:

**- دم غنیمتی و زود گذر بودن عمر**

خوش باش در این نفس که هستی      تا باز که یابد این زمان را  
بس تیز روست مرکب عمر      روزی دو سه باز کش عنان را (دیوان، ص ۲۶۲)

**- شرابنوشی برای غمزدایی**

می خور، که دانا می خورد، زنگ غم از دل میبرد  
خوش بگذران و خوش گذر، این روز کی چندی دگر  
شاخ طرب می‌پرورد، بر گرد گردون دل منه  
خاصه کنون کامد به سر عمر جهانی بر گره  
(همان، ص ۳۲۵)

**- اغتنام فرصت جوانی**

جوانی بر سر کوچست دریاب این جوانی را  
خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان‌دیده  
که شهری باز کی بیند غریب کاروانی را  
که اندر خاک میجویند ایام جوانی را  
(همان، ص ۲۶۳)

**- گذرا بودن جهان و ناپایداری آن**

قافله رفت و من چنین از همه کس بمانده‌ام  
یافته‌ای نظامیا، خوشتر از این جهان بسی  
مرکب تیزپوی کو؟ شحنه کاروان کجاست؟  
عاقبت چورفتنست، توشه آن جهان کجاست؟  
(همان، ص ۲۶۶)

برخی از مضامین کلامی عبارتند از:

**- تقابل عشق و عقل**

دل باز در صلاح دریست  
عشق آمد و بند توبه بگشاد  
با آن همه سربلندی عقل  
آن توبه که کرده بود بشکست  
صبرم شد و عقل رخت بر بست  
در پای سبیل عشق شد پست (همان، ص ۲۶۵)

**- جبر**

بیا در ساز با ما، بیشتر زانک  
قضای چرخم افکنده بدین روز  
ز تو خوبی شود وز من جوانی  
که کوشد با قضای آسمانی؟  
(همان، ص ۳۳۷)

**۵. مدح و رثا**

علاوه بر مضامین یاد شده در غزلیات نظامی یک غزل در رثای پسرش و همچنین یک غزل در مدح پیامبر(ص) آمده است.

### نتیجه

نظامی از چهره‌های ماندگار ادبیات فارسی است که توانایی و هنر خود را در قالب غزل همانند مثنوی نشان داده است. در این پژوهش با نگاهی سبک‌شناسانه، غزلیات نظامی از منظر زیبایی‌های زبانی، ادبی و فکری ارزیابی و بررسی شده است.

- از نظر زبانی نظامی گرایش‌های ملی‌گرایانه خود را با آوردن کلمات کهن سبک خراسانی نشان داده است. او به وزن هزج علاقه بیشتری داشته است و موسیقی غزلیاتش بیشتر جویباری و مناسب مضامین دلنشین عاشقانه است؛ از قافیه‌ها و ردیفهای غنی و مستحکم بهره گرفته است. شاعر با انواع تکرارها و جناسها باعث افزایش موسیقی درونی و القای معانی موردنظر خود شده است و در ساخت واژه‌های ترکیبی طبیعی توانمند دارد تا بدین وسیله زبان غزلیات خود را برجسته کند.

- در بررسی سطح ادبی که شامل تصویرسازی، بیان، علم معانی و بدیع است؛ آنچه بدست آمد اینکه نظامی با هنر نمایی هرچه تمامتر الفاظ و ترکیبات را آنچنان در زنجیره گفتار جای میدهد و به آن جان و تحرک میبخشد که منظره‌ای زیبا را برای مخاطب مجسم میکند. تشبیهات او بیشتر حسی و استعارات و کنایات او قریب است که ناشی از روح تغزل است تا بدین وسیله انفعالات درونی خود را بهتر منتقل میکند.

- نظامی داستانوارگی را در غزلیات همانند خمسه نشان داده است.

- در سطح فکری، غزلیات نظامی ارائه استادانه احساسات و عواطف بشری و آرزوها و تمناهای طبیعی اوست که در غزلیات بیشتر در قالب مضامین عاشقانه مطرح شده است. با این که عشق پردامنه‌ترین درون‌مایه غزلیات اوست اما در کنار آن آرمانشهری (utopia) را ترسیم میکند که در آن به قناعت، صبر، بخشنده‌گی و شادمانی توصیه میشود. علاوه بر این او نگرانیها، تجارب، آشفته‌گیها و هدفهایش را در قالب مضامین فلسفی، اخلاقی، عرفانی ملامتی نیز بیان میکند و این موضوعات در همه موارد با آرمانهای اجتماعی و تصویر او از انسان و جامعه آرمانی در هم آمیخته شده است؛ که حاکی از دریافت‌های واقع‌گرایانه و رمانتیک اوست و همه این موارد بیانگر توانایی او در نشان دادن مضامین فکری متنوع است.

### منابع

۱. از زبان‌شناسی به ادبیات. صفوی، کوروش (۱۳۸۳). جداول نظم. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
۲. بیان و معانی. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، چاپ هشتم. تهران: فردوس.
۳. تحلیل شخصیت خیام. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، چاپ سوم. تهران: نشر کیهان.

۴. دیوان قصاید و غزلیات نظامی، نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۰)، به اهتمام سعید نفیسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات فروغی
۵. سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو. غلامرضایی، محمد (۱۳۸۱)، چاپ اول. تهران: جامی.
۶. نگاهی تازه به بدیع. شمیسا، سیروس (۱۳۶۸). چاپ دهم. تهران: فردوس.
۷. کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.